

کار بست پذیری منظومه هفت پیکر نظامی با محوریت الگوی سفر قهرمان کمپل به منظور دستیابی به متن

نمایشی

نیما قاسمی دهقی^۱، آلما قاسمی دهقی^۲

۱- کارشناسی ارشد ادبیات نمایشی، باشگاه پژوهشگران جوان، واحد علوم تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

۲- کارشناسی ارشد ادبیات نمایشی، باشگاه پژوهشگران جوان، واحد علوم تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

چکیده

هدف از این پژوهش یاری جستن از کهن الگوی سفر قهرمان جوزف کمپل، جهت بازخوانی وجوه نمایشی هفت پیکر با محوریت توان دراماتیک موجود در آثار ادبی کلاسیک کهن ایرانی است. در تجزیه و تحلیل یافته های این پژوهش از روش آمار توصیفی، تحلیلی (فراوانی و درصد فراوانی) بهره جسته ایم. یافته ها نشان از آن دارد که اکثریت داستان های هفت پیکر نظامی در بررسی با الگوی سفر قهرمان کمپل قلیل تجزیه، تحلیل و دسته بندی است. اما در پاره ای از موارد به تناقض هایی نیز می رسیم، فی المثل داستان های هفت پیکر حاکی از آن است که عدم توالی یکسان تشریف (ارائه شده در بخش دوم نظریه کمپل) میان قصه هایی که جنسیت قهرمانانش زن است و همچنین فقدان خوانش مرحله بازگشت قهرمان در موقعیت های متفاوت (مربوط به بخش سوم نظریه کمپل) از مواردی است که در تجزیه و تحلیل هفت پیکر با الگوی کمپل خود نمایی می کند. و اما نکته حائز اهمیت آن است که هفت پیکر نظامی جهت اجرای صحنه، پذیرای درام سه پرده ای ارسطو نیز می باشد.

واژگان کلیدی: سفر قهرمان، جوزف کمپل، وجوه نمایشی، هفت پیکر، نظامی